TRANSCRIPT · EPISODE 230

What Does That Even Mean? “I’ll Think About It”: Did They Mean Yes?

English learning resource · FA

Line-by-line · English + Persian

85 lines

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

Imagine I invite a classmate to a food market on Saturday.

تصور کن یکی از هم‌کلاسی‌هایم را برای شنبه به بازار غذا دعوت می‌کنم.

She smiles and says, "I'll think about it."

او لبخند می‌زند و می‌گوید: «درباره‌اش فکر می‌کنم».

In my head, I hear: almost yes.

در ذهنم می‌شنوم: تقریبا بله.

This is an imagined situation.

این یک موقعیت فرضی است.

It did not really happen, but the misunderstanding is easy to recognise.

واقعا اتفاق نیفتاده، اما این سوءتفاهم به‌راحتی قابل تشخیص است.

So I choose a time, and I write it in my calendar.

پس ساعتی را انتخاب می‌کنم و آن را در تقویمم می‌نویسم.

I even tell my friends we are going.

حتی به دوستانم می‌گویم که قرار است برویم.

Saturday morning comes, and I wait.

صبح شنبه می‌رسد و من منتظر می‌مانم.

I check my phone again and again, and I have no message.

بارها و بارها گوشی‌ام را چک می‌کنم و هیچ پیامی ندارم.

So, what does that even mean?

پس این دقیقا یعنی چه؟

Did she mean yes?

آیا منظورش بله بود؟

Welcome to What Does That Even Mean?

به What Does That Even Mean خوش آمدید.

I'm Martin.

من مارتین هستم.

And I'm Julia.

و من جولیا هستم.

Juan, that is a very normal question.

خوان، این سؤال کاملا طبیعی است.

Yes, and the honest answer is: it depends.

بله، و پاسخ صادقانه این است: بستگی دارد.

"I'll think about it" is not a yes, and it is not always a no.

«درباره‌اش فکر می‌کنم» به معنی بله نیست و همیشه هم به معنی نه نیست.

It does not give you a clear answer.

این جمله پاسخ روشنی به تو نمی‌دهد.

The person might need time, or they might be avoiding a direct refusal.

ممکن است آن شخص به زمان نیاز داشته باشد یا از رد مستقیم دعوت پرهیز کند.

The meaning depends on tone, context, and what happens next.

معنا به لحن، بافت و آنچه بعدا رخ می‌دهد بستگی دارد.

So how can I understand it better?

پس چطور می‌توانم بهتر آن را بفهمم؟

Let's compare three phrases.

بیایید سه عبارت را مقایسه کنیم.

First, "I'll think about it."

اول، «درباره‌اش فکر می‌کنم».

It can give the person time without making a promise.

این عبارت می‌تواند به فرد زمان بدهد، بی‌آنکه قولی بدهد.

For example, someone asks, "Do you want to join our book club?"

برای مثال، کسی می‌پرسد: «می‌خواهی به باشگاه کتاب ما بپیوندی؟»

The answer is, "I'll think about it, but can I see the books first?"

پاسخ این است: «درباره‌اش فکر می‌کنم، اما می‌توانم اول کتاب‌ها را ببینم؟»

That question can suggest interest, though it is not a yes.

این سؤال ممکن است نشانه علاقه باشد، هرچند به معنی بله نیست.

Second, "Let me get back to you."

دوم، «بعدا به تو خبر می‌دهم».

The person may need to check a calendar or ask someone else.

ممکن است فرد لازم باشد تقویمش را بررسی کند یا از شخص دیگری بپرسد.

Often it also means they plan to reply.

اغلب همچنین به این معنی است که قصد دارد پاسخ بدهد.

For example, "Can you finish the report on Friday?"

برای مثال: «می‌توانی گزارش را روز جمعه تمام کنی؟»

The answer is, "Let me get back to you, because I need to check with my manager."

پاسخ این است: «بعدا به تو خبر می‌دهم، چون باید با مدیرم هماهنگ کنم».

Third, "I'm not sure yet."

سوم، «هنوز مطمئن نیستم».

This usually expresses uncertainty.

این عبارت معمولا تردید را بیان می‌کند.

It does not tell you everything the person is thinking.

این جمله همه افکار آن شخص را به تو نشان نمی‌دهد.

So none of these phrases is a clear no.

پس هیچ‌کدام از این عبارت‌ها یک نه واضح نیست.

Not by themselves.

به‌تنهایی نه.

But we can look for clues.

اما می‌توانیم دنبال نشانه‌ها بگردیم.

Listen to the voice.

به صدا گوش بده.

Is it warm, or flat?

آیا لحن گرم است یا بی‌احساس؟

Does the person ask questions about the plan?

آیا آن شخص درباره برنامه سؤال می‌پرسد؟

Do they give a reason or a time?

آیا دلیلی می‌آورد یا زمانی مشخص می‌کند؟

Those details can give you clues, but they do not prove what someone feels.

این جزئیات می‌توانند سرنخ بدهند، اما احساس فرد را ثابت نمی‌کنند.

A quiet voice or a smile can mean different things to different people.

صدای آرام یا لبخند می‌تواند برای افراد مختلف معانی متفاوتی داشته باشد.

Sometimes people use these phrases because they find it hard to say no directly.

گاهی افراد از این عبارت‌ها استفاده می‌کنند چون نه گفتن مستقیم برایشان دشوار است.

And sometimes they truly need time.

و گاهی واقعا به زمان نیاز دارند.

Both are possible, so one phrase alone cannot tell you.

هر دو امکان وجود دارد، بنابراین یک عبارت به‌تنهایی پاسخ را به تو نمی‌دهد.

And what should I do, then?

پس من باید چه کار کنم؟

You can ask a friendly follow-up question.

می‌توانی یک سؤال پیگیری دوستانه بپرسی.

For example, "No problem, could you let me know by Thursday?"

برای مثال: «مشکلی نیست، می‌توانی تا پنج‌شنبه به من خبر بدهی؟»

That is polite, and it is clear.

این هم مؤدبانه است و هم روشن.

It gives the other person a clear way to answer.

این کار راه روشنی برای پاسخ دادن به طرف مقابل می‌دهد.

That is much better than my plan.

این خیلی بهتر از برنامه من است.

If I could go back to Thursday, I would ask her then.

اگر می‌توانستم به پنج‌شنبه برگردم، همان موقع از او می‌پرسیدم.

In my example, I treated an uncertain answer as a yes.

در مثال من، پاسخی نامطمئن را مثل یک بله در نظر گرفتم.

In that version of the story, she replies that Saturday does not work.

در آن نسخه داستان، او پاسخ می‌دهد که شنبه برایش مناسب نیست.

She suggests the following week instead.

او در عوض هفته بعد را پیشنهاد می‌کند.

Then I would know the plan, and she would have room to say no.

آن‌وقت من از برنامه خبر داشتم و او هم فرصت داشت نه بگوید.

Now let's try a challenge.

حالا بیایید یک چالش انجام دهیم.

We will give you four situations.

چهار موقعیت به تو می‌دهیم.

Decide what the person probably means.

تصمیم بگیر احتمالا منظور آن شخص چیست.

Number one: "Let me get back to you after I check my calendar."

شماره یک: «بعد از بررسی تقویمم به تو خبر می‌دهم».

The person needs information, and they probably plan to answer.

آن شخص به اطلاعات نیاز دارد و احتمالا قصد دارد پاسخ بدهد.

You can wait a short time, and then ask again.

می‌توانی کمی صبر کنی و بعد دوباره بپرسی.

Number two: "I'll think about it," said in a flat voice, with no questions.

شماره دو: «درباره‌اش فکر می‌کنم»، با لحنی یکنواخت و بدون پرسیدن سؤال.

This is unclear.

این واضح نیست.

It could be interest, or it could be a polite way to say no.

ممکن است نشانه علاقه باشد یا راهی مؤدبانه برای نه گفتن.

So the best move is a friendly follow-up with a day.

پس بهترین کار یک پیگیری دوستانه همراه با تعیین روز است.

Number three: "I'm not sure yet, but I'll know on Friday."

شماره سه: «هنوز مطمئن نیستم، اما جمعه می‌دانم».

The words express uncertainty, and the person gave you a date.

این کلمات تردید را نشان می‌دهند و فرد تاریخی به تو داده است.

You can wait until Friday and then follow up.

می‌توانی تا جمعه صبر کنی و بعد پیگیری کنی.

Number four: "I'll think about it," with a smile, and then the person asks, "What time does it start?"

شماره چهار: «درباره‌اش فکر می‌کنم»، با لبخند، و سپس آن شخص می‌پرسد: «چه ساعتی شروع می‌شود؟»

Questions about details may suggest interest.

پرسیدن درباره جزئیات ممکن است نشانه علاقه باشد.

But it is still not a promise, so a short follow-up helps.

اما هنوز قولی داده نشده است، پس یک پیگیری کوتاه کمک می‌کند.

So here is my plan.

پس برنامه من این است.

Notice the context, then ask a friendly follow-up.

به بافت توجه کنم و سپس دوستانه پیگیری کنم.

That works well.

این روش خوب است.

Remember, this is not a rule that fits every person or every culture.

یادت باشد این قاعده برای همه افراد یا همه فرهنگ‌ها صدق نمی‌کند.

It is a way to listen better and to ask better questions.

این راهی برای بهتر گوش دادن و پرسیدن سؤال‌های بهتر است.

You can read all three phrases in the transcript on yourenglishtoolbox.com.

می‌توانی هر سه عبارت را در متن قسمت در yourenglishtoolbox.com بخوانی.

Read them, listen again, and notice the clues.

آن‌ها را بخوان، دوباره گوش بده و به سرنخ‌ها توجه کن.

The link is in the description.

پیوند در توضیحات قرار دارد.

Thank you for listening.

ممنون که گوش دادید.

See you next time.

تا دفعه بعد.

Bye for now.

فعلا خداحافظ.